

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی
حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

مشورت

آزمون استواری و مقاومت

۲۰ آذر ۱۳۸۷

۱۱ ذیججه المراه ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« الحمد لله رب العالمين وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

چکیده سخن

همان گونه که در جلسات گذشته بیان شد، متکلمین اهل سنت قائل به عدالت تمامی صحابه می باشند. از طرفی این قول با عصمت انبیاء عليهم السلام خصوصاً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم معارض می باشد. لذا آنان برای رهایی از این تناقض ادعا کردند که عصمت انبیاء عليهم السلام مخصوص به دریافت و رساندن وحی است. در امور روز مره زندگی و در جایی که وحی نباشد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به اجتهادات خویش مراجعه می کنند. اهل سنت برای اثبات این ادعا به آیاتی از قرآن تمسک کرده اند. در جلسه قبل بیان شد که یکی از این آیات، آیه مشاوره می باشد. در این آیه خداوند سبحان می فرماید:

﴿ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴾ ^(۱).

۱ - سورة آل عمران ، آیه ۱۵۹ .

به برکت رحمت الهی در برابر آنان نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب، **و در کارها با آنان مشورت کن**، اما هنگامی که تصمیم گرفتی، قاطع باش و بر خدا توکل کن، زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.

این آیه در سیاق آیاتی قرار دارد که در مورد غزوه احد نازل شد. این آیه زمانی نازل شد که صحابه و مسلمانان در غزوه احد مرتکب لغزش‌های فراوانی شدند. عده‌ای تیرانداز با تمرّد از دستور حضرت رسول ﷺ موضع حسّاس خود را رها کرده و موجب شدند که مشرکین از این نقطه سوء استفاده کنند و ضربه نهایی را بر مسلمانان فرود آورند.

گروهی دیگر از مسلمانان از میدان نبرد فرار کردند و پیامبر ﷺ را تنها گذاشتند که تاریخ از این افراد با نام منزهمین یاد کرده است^(۱).

وقتی جنگ تمام شد و مسلمانان به مدینه برگشتند، شرمساری در چهره همه آنان نمایان بود و مسلمانان احساس خفت و سرافکندگی می کردند به خصوص منزهمین بیش از همه خود را ملامت می کردند. چون اسلام در آغاز راه بود، خداوند به پیامبر خویش ﷺ دستور می دهد که از تخلف و گناه آنها چشم پوشی فرماید «فاعف عنهم واستغفر لهم» و علاوه بر این برای آنها اهمیّت قائل شده تا هویت از دست رفته آنها باز گردد. «وشاورهم فی الأمر» به هر جهت مشورت پیامبر ﷺ با صحابه، جنبه تربیتی داشت و از این جهت نبود که پیامبر ﷺ

۱- رجوع کنید به جزوه، شماره ۷۵ صفحه ۹.

در افکار و اندیشه‌های خویش سرگردان بودند و برای برطرف کردن آن به افکار و اندیشه‌های دیگران نیاز داشتند.

عده‌ای از اهل سنت نیز ادعا کرده‌اند که دستور به مشاوره، در مورد جنگ می‌باشد و چنین گفته‌اند:

«وشاورهم في الأمر أي في الحرب»^(۱).

در کارها با آنان مشورت کن یعنی در جنگ.

پرسشی که در مورد این تفسیر مطرح می‌شود این است که: پیامبر ﷺ با

چه کسانی در مورد جنگ باید مشورت می‌کردند، با کسانی که مرد رزم و جنگ آوری نبودند و در لحظات حساس پیامبر خدا ﷺ را در میدان جنگ رها کرده و از ترس و وحشت فرار کردند؟

از طرفی اگر بپذیریم که پیامبر ﷺ باید با صحابه در جنگ مشورت می‌کردند سؤال این است که دستور الهی، مشورت با چند نفر بوده است؟ طبق نقل تواریخ در آن لحظات حساس فقط دو نفر از پیامبر ﷺ دفاع می‌کردند و آن دو نفر امیرالمؤمنین علی عليه السلام و ابو دجانة انصاری بودند^(۲).

بررسی مشورت پیامبر ﷺ در جنگ احزاب

اهل سنت با توجه به نکات و تفاسیری که ذکر شد باز بر ادعای خود پافشاری می‌کنند و چنین می‌گویند: پیامبر ﷺ فقط در مقام ابلاغ و رساندن وحی

۱- از منابع اهل سنت: تفسیر آلوسی، جلد ۴ صفحه ۱۰۶.

۲- حیات القلوب، جلد ۴ صفحه ۹۵۱ و از منابع اهل سنت: السيرة النبوية، جلد ۳ صفحه ۷۲.

معصوم می‌باشند ولی در امور روزمره خود باید به اجتهادات خویش مراجعه کنند و از این نظر که ممکن است در افکار خویش اشتباه کنند، به مشورت با دیگران نیازمند می‌باشند. اهل سنت برای اثبات این ادعا به نمونه‌هایی از مشورت‌های پیامبر ﷺ در وقایع مختلف اشاره می‌کنند.

یکی از مواردی که اهل سنت ادعا می‌کنند، پیامبر ﷺ برای تکمیل افکار و اندیشه‌های خویش با مسلمانان و صحابه مشورت کردند جنگ احزاب می‌باشد. مشرکان در جنگ‌های متوالی از سپاه اسلام شکست خوردند و تنها در غزوه احد توانستند بر لشکر اسلام غلبه کنند. پس از آنکه پیامبر ﷺ اطراف مدینه را تحت فرمان و حکومت خویش در آوردند، مشرکان از پیشرفت روزافزون اسلام دچار وحشت و اضطراب فراوانی شدند. در این شرایط حساس تنها تصمیمی که گرفتند این بود که اسلام را نابود کنند. تدبیر آن‌ها چنین بود که از تمام احزاب و قبایل کمک گرفته و لشکر عظیم و قدرتمندی را برای رویارویی با سپاه اسلام تجهیز کنند. مشرکین تا اندازه‌ایی در جمع‌آوری لشکر و سپاه کوشیدند که از تمام اطراف، مسلمین در محاصره واقع شدند. مسلمانان از طرف مشرق توسط قبیله‌های بنی قریظه و بنی النضیر و غطفان و از طرف مغرب (ناحیه مکه) توسط قریش محاصره شدند. فرمانده قبیله غطفان حارث بن عوف و عیینة بن حصن و فرمانده قریش و قبیله کنانه، ابی سفیان بود^(۱).

پیامبر ﷺ بامشاهده سپاهیان انبوه قریش، تدبیری اندیشیدند. ایشان ﷺ به افرادی را نزد فرماندهان قبیله غطفان فرستادند. فرستادگان رسول الله ﷺ به

۱- از منابع اهل سنت: السیره النبویه، جلد ۳ صفحه ۲۲۶.

سران قبیله غطفان گفتند: پیامبر ﷺ و مسلمانان حاضرند با شما مصالحه کنند و شما در مقابل، همکاری با سپاه قریش را رها کنید. فرماندهان قبیله غطفان، این پیشنهاد را پذیرفتند و قرار شد یک سوم از خرماى آن سال مدینه به قبیله غطفان تعلق بگیرد^(۱).

قرارداد نهایی برای تأیید نزد پیامبر ﷺ آورده شد. ایشان قبل از تأیید این قرارداد امر فرمودند سعد بن معاذ از قبیله خزرج و سعد بن عبادۀ از قبیله اوس را احضار کنند. پیامبر ﷺ نظر آن دو را در مورد این قرارداد جویا شدند.

تاریخ این واقعه را چنین بازگو می‌کند:

« فلما أراد رسول الله ﷺ أن يفعل بعث إلى سعد بن معاذ وسعد بن عبادۀ فذكر ذلك لهما واستشارهما فيه؛ فقالا له: يا رسول الله ﷺ أمراً تحبّه فتصنعه أم شيئاً أمرك الله به لا بد لنا من العمل به، أم شيئاً تصنعه لنا؟ قال ﷺ: بل شيء أصنعه لكم، والله ما أصنع ذلك إلا لأتني رأيت العرب قد رمتكم عن قوس واحدة وكالبوكم من كل جانب، فأردت أن أكسر عنكم من شوكتهم إلى أمر ما، فقال له سعد بن معاذ: يا رسول الله ﷺ! قد كنّا نحن وهولاء القوم على الشرك بالله وعبادة الأوثان، لانعبد الله ولا نعرفه، وهم لا يطعمون أن يأكلوا منها ثمرة إلا قرى أو بيعاً، أفحين أكرمنا الله بالإسلام وهدانا له وأعزّتنا بك وبه نعطيهم أموالنا؟ والله مالنا بهذا من حاجة، والله لا نعطيهم إلا السيوف حتى يحكم الله بيننا وبينهم. قال رسول الله ﷺ: فأنت وذلك. فتناول سعد بن معاذ الصحيفة، فمحا ما

۱ - السيرة النبوية، جلد ۳ صفحه ۲۳۴.

فیها من الكتاب، ثم قال: ليجهدوا علينا»^(۱).

هنگامی که پیامبر ﷺ قصد تأیید آن نوشته را داشتند دستور فرمودند سعد بن معاذ و سعد بن عباده را حاضر کنند و با آنان به مشورت پرداختند آن دو عرض کردند: ای رسول خدا ﷺ آیا این امری است که شما تمایل به انجام آن دارید یا امر از سوی پروردگار است و ما ملزم به عمل هستیم یا کاری است که برای مصلحت ما تصمیم به انجام آن گرفته‌اید؟ پیامبر ﷺ فرمودند: من مصلحت شما را در نظر گرفته‌ام زیرا عرب تمام قوای خود را جمع کرده و شما را محاصره نموده است. و از همه طرف شما را محاصره کرده‌اند و قصد من هم این بود که به گونه‌ای عظمت آن‌ها را بکاهم. سعد عرض کرد: ای پیامبر خدا ﷺ در گذشته ما و این قوم مشرک بودیم و خدا را نمی‌شناخته و او را عبادت نمی‌کردیم بلکه کار ما عبادت بت‌ها بود. در آن روزگار این قوم در یک دانه از خرما می‌طعم نمی‌کردند مگر اینکه مهمان ما بوده یا از ما خریداری کنند. آیا حال که خداوند با اسلام به ما کرامت بخشید و ما را به اسلام هدایت فرمود و ما را به وسیله خود و شما عزت داد، اموال خود را به آنها بدهیم؟! به خدا سوگند ما به این قرارداد نیازمند نیستیم و تنها راه، جنگیدن با این قوم می‌باشد. پیامبر ﷺ فرمودند: پس چنین کنید. سعد بن معاذ پیمان

۱- از منابع اهل سنت: السیرة النبویة، ابن هشام، جلد ۳ صفحه ۷۰۸ و البدایة و النهایة، جلد ۴ صفحه ۱۲۰.

نامه را گرفته و تمام نوشته‌های آن را محو نمود و گفت: برای جهاد با ما آماده شوند.

مطلبی که از این واقعه واضح و روشن می‌شود این است که مشورت پیامبر ﷺ تنها برای تأمین آرامش و آسایش قبایل تازه مسلمان مخصوصاً اوس و خزرج بود. پیامبر ﷺ آنان را مورد امتحان و آزمایش قرار دادند و ایمان آنان را سنجیدند تا میزان پایداری آنان برای جنگ و مقاومت بر همگان واضح و روشن شود. لذا وقتی صلابت و استواری آنان آشکار گشت پیشنهاد صلح را متوقف کرده و دستور فرمودند: خود را برای جنگ مجهز کنید. طبق آیات و روایات موجود در این زمینه پیامبر ﷺ از تمام شرایط جنگ مثل زمان و مکان و ... و حتی پیروزی لشکر اسلام آگاه بودند. با این اوصاف امکان ندارد که ادعا کنیم افکار و اندیشه‌های پیامبر ﷺ در زمینه جنگ کامل نبود، و در مورد جنگ با لشکر مشرکین دچار شک و تردید بودند و بدین جهت با اصحاب خود به مشاوره پرداختند. برای اثبات اطلاع رسول اکرم ﷺ از تمام وقایعی که قرار بود در این جنگ رخ دهد، به فرازهایی از تاریخ و آیات اشاره می‌کنیم.

طبق روایتی که زمخشری در تفسیر خود نقل می‌کند، پیامبر ﷺ فرمودند: «إِنَّ الْأَحْزَابَ سَاءَ رُونَ إِلَيْكُمْ تَسَعًا أَوْ عَشْرًا أَي فِي آخِرِ تِسْعِ لِيَالٍ أَوْ عَشْرٍ»^(۱).

گروه مشرکین به سمت شما می‌آیند در نه یاده یعنی در آخر نه شب یا ده روز.

۱- از منابع اهل سنت: الکشاف، جلد ۳ صفحه ۲۵۶.

بخشی از آیات سوره احزاب، به تشریح و تبیین این غزوه پرداخته. خداوند متعال در این سوره می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴾^(۱).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا بر خود را به یاد آورید در آن هنگام که لشکرهایی به سراغ شما آمدند ولی ماباد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید، و خداوند همیشه به آنچه انجام می‌دهید بینا بوده است.

پیامبر ﷺ از این امدادهای غیبی پروردگار خویش آگاه بودند و به آن ایمان داشتند لذا نیازی به مشورت با دیگران نداشتند.

﴿ إِذْ جَاؤُكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا * هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا ﴾^(۲).

زمانی که آنها از طرف بالا و پایین بر شما وارد شدند و زمانی را که چشمها از شدت وحشت خیزه شده و جانها به لب رسیده بود و گمانهای گوناگون بدی به خدا می‌بردید * آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند.

در ادامه آیات، خداوند چهره واقعی منافقان را نمایان کرده و چنین می‌فرماید:

۱- سوره احزاب، آیه ۹.

۲- سوره احزاب، آیه ۱۱ و ۱۰.

مردم با دیدن جمعیت فراوان مشرکین هر کدام سخنی را بر زبان جاری کردند مخصوصاً منافقان کور دل با انواع بهانه‌های واهی قصد فرار از جبهه جنگ و جهاد را داشتند.

﴿وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا * وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا﴾^(۱).

و زمانی که منافقان و بیماردلان می‌گفتند: خدا و پیامبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده‌اند. و زمانی که گروهی از آنها گفتند: ای اهل یثرب (مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست به خانه‌های خود بازگردید و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می‌گفتند: خانه‌های ما بی حفاظ است، در حالی که بی حفاظ نبود. آنها فقط می‌خواستند از جنگ فرار کنند.

نقطه برابر این برخورد، مؤمنین واقعی بودند که در سختی‌ها و آسانی‌ها همیشه به لطف خدا امیدوار بوده و مطمئن بودند وعده رسول خدا ﷺ به پیروزی محقق می‌شود.

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾^(۲).

۱ - سوره احزاب، آیه ۱۲ و ۱۳.

۲ - سوره احزاب، آیه ۲۲.

اما مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند گفتند: این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفته‌اند و این موضوع جز ایمان و تسلیم آنان نیفزود.

تأملی در مشورت پیامبر ﷺ در جنگ بدر

یکی دیگر از مواردی که اهل سنت ادعا می‌کنند پیامبر ﷺ برای تکمیل افکار و اندیشه‌های خویش با مسلمانان و صحابه مشورت کردند جنگ بدر می‌باشد. پیامبر ﷺ، بسیاری از صحابه و مسلمانان را جمع کرده و به آنها فرمودند: قبیلۀ قریش از سفر تجارتی شام باز می‌گردند و از این سفر اموال و کالاهای فراوانی به همراه آورده‌اند. گذرگاه آنها برای رسیدن به مکه، مدینه می‌باشد. فرصت مناسبی است که به آنها حمله کرده و اموال تجاری آنها را مصادره کنیم^(۱). نظر شما در مورد جنگ با آنها چیست؟ و اگر در جنگ با آنها نظر موافق دارید در کجا با آنها روبرو شویم^(۲)؟ تاریخ این ماجرا را چنین نقل می‌کند: قرار بود عده‌ای از مسلمانان اطلاعاتی از قبیلۀ قریش جمع‌آوری کرده و آنها را نزد پیامبر ﷺ ارائه دهند.

«ثم سار رسول الله ﷺ لا يلقاه خبر ولا يعلم بنفرة قریش . فقال

۱- توجه به این نکته ضروری می‌باشد که این تصمیم رسول اکرم ﷺ از آن رو بوده است که پس از هجرت مسلمانان مکه به مدینه، مشرکان تمام اموال برجسا مانده از آنان را مصادره کرده بودند و در واقع حضرت ﷺ با این عمل در صدد باز پس‌گیری اموال غارت شده مسلمانان بوده‌اند.

۲- از منابع اهل سنت: السیرة النبویة، جلد ۲ صفحه ۲۵۸.

رسول الله ﷺ: أشيروا علينا في أمرنا وسيرنا، فقال أبو بكر: يا رسول الله ﷺ أنا أعلم الناس بمسافة الأرض، أخبرنا عدي بن أبي الزغباء أنّ العير كانت بوادي كذا وكذا، فكانا وأياهم فرسخان إلى بدر، ثم قال: أشيروا عليّ، فقال عمر بن الخطاب: يا رسول الله ﷺ إنّها قريش وعزّها، والله ما ذلّت منذ عزّت، ولا آمنت منذ كفرت، والله لتقاتلنك، فتأهبّ لذلك أهبتة وأعد له عدّته. فقال رسول الله ﷺ: أشيروا عليّ، فقال المقداد بن عمرو: إنا لا نقول لك كما قال أصحاب موسى ﴿اذهب أنت وربك فقاتلا إنا معكم متبعون﴾^(۲).

خبری از قافله قریش و تعداد آنها به پیامبر ﷺ نرسیده بود. پس پیامبر ﷺ فرمودند: در مورد اصل جنگیدن و مکان رویارویی با آنها نظرتان را به من بگویید. ابوبکر گفت: ای رسول خدا ﷺ من آگاه ترین مردم به مسافت ها می باشم، عدی بن ابی الزغباء به من خبر داد که قافله آنها در فلان وادی می باشد. ما و ایشان تا سرزمین بدر دو فرسخ فاصله داریم. پیامبر ﷺ باز فرمودند: نظرتان را به من بگویید پس عمر گفت: ای رسول خدا ﷺ همه چیز قریش در عزّت و آبروی آنهاست. سوگند به خدا از زمانی که عزیز شده اند خوار نگشته اند و بعد از کفر هم ایمان نمی آورند. سوگند به خدا با تو

۱ - سورة مائده، آیه ۲۴.

۲ - از منابع اهل سنت: الدر المنثور، جلد ۳ صفحه ۳۰۳.

به مقابله می‌پردازند. آماده و مستعد با مبارزه‌جویی آنان باش باز پیامبر ﷺ فرمودند: به من نظر تان را بگوئید پس مقداد بن عمرو گفت: ما نمی‌گوییم آنچه یهودیان به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام گفتند که «تو و پروردگارت بروید و با آنان بجنگید ما همین جا نشسته‌ایم» و می‌گوییم: تو و پروردگارت بروید و با آنان بجنگید ما هم از شما پیروی می‌کنیم.

مطلبی که از این روایت ظاهر می‌شود این است که منظور پیامبر ﷺ از مشورت با صحابه، تکمیل افکار و اندیشه‌های خویش نبوده، و تنها هدف ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این بود که چهره واقعی منافقان را ظاهر نمایند. همان طور که بعد از سخنان عمرو ابو بکر نفاق آنها بر همگان ظاهر و آشکار گردید و معلوم شد که آن دو سعی در تضعیف روحیه مسلمانان و مشکل نشان دادن جنگ با مشرکان را دارند.

طبق نقل اهل سنت روایت دیگری به همین مضمون وارد شده است:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شاور الناس يوم بدر فتكلم أبو بكر فأعرض عنه، ثم تكلم عمر فأعرض عنه، فقالت الأنصار: يا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! إيانا تريد؟ فقال المقداد بن الأسود: يا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! والذي نفسي بيده لو أمرتنا أن نخيضها البحر لأخضناها ولو أمرتنا أن نضرب أكبادها إلى برك الغمار فعلنا، فشانك يا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»^(۱).

رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز بدر با مردم به مشورت پرداختند، ابوبکر سخنی گفت و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از او روی برگرداندند، سپس عمر نظر داد

۱- از منابع اهل سنت: مسند احمد، جلد ۳ صفحه ۲۱۹ و صحیح مسلم، جلد ۵ صفحه ۱۷۰.

و رسول الله ﷺ باز هم روی خود را از او برگرداندند، گروه انصار عرض کردند: نظر ما را می‌خواهید؟ و مقدمات عرض کرد: سوگند به آن که جانم در دست او است، اگر دستور دهید که با اسب هایمان آب دریا را در نورسیم، گردن می‌نهمیم و اگر دستور دهید که با اسب هایمان به سرزمین های دوردست برویم، خواهیم رفت.

اگر طبق ادعای اهل سنت قصد پیامبر ﷺ از مشاوره با اصحاب، استفاده از افکار و اندیشه های آنان بوده است چرا پس از تکلم عمر و ابوبکر از گفته آنان روی برگرداندند؟ تنها قصد پیامبر ﷺ از مشاوره، امتحان و آزمایش آنان بود تا بر همگان آشکار گردد که تا چه حد بر دفاع و صیانت از دین و آیین خود پافشاری و استواری دارند، و آیا آماده انتقام از لشکری که آنان را از شهر و خانه خود بیرون کرده و موجب آوارگی آنان شده بود، هستند؟

سخن پایانی در مورد ادعای اهل سنت

در پایان این گفتار اهل سنت را به دقت و تدبیر در نکته ای فرا می‌خوانیم و آن اینک:

اگر پیامبر ﷺ به این دلیل که در افکار و آراء خود متزلزل می‌باشند، از طرف خداوند، متعال مأمور به مشورت با مسلمانان می‌شوند آیا به این معنی است که در مواردی دیگران (صحابه) بهتر از ایشان فکر می‌کنند و نتیجه می‌گیرند؟ به عبارتی دیگر، آیا در مواردی دیگران (صحابه) اعلم از ایشان ﷺ می‌باشند؟ در این صورت ادعای فوق با آیه اطاعت در تضاد قرار می‌گیرد؛ زیرا خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ﴾^(۱).

از خدا و رسول خدا و صاحبان امر اطاعت کنید.

طبق آیه شریف امر به اطاعت مطلق می‌باشد و ما موظفیم در تمام موارد از ایشان صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اطاعت کنیم. اختصاص اطاعت از رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مواردی که وحی و آیه‌ای از قرآن باشد، ادعایی بی دلیل می‌باشد.

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از همه نظر دارای کمال و علم کافی می‌باشند به طوری که هیچ شخصی نمی‌تواند با علم پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مخالفت و مقابله برخیزد. به همین دلیل خداوند متعال در آیه‌ای از قرآن می‌فرماید:

﴿ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ﴾^(۲).

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید.

نکته‌ای دیگر اینکه، طبق دو آیه شریف و دیگر آیات و روایات، شیعیان عصمتی را برای انبیا و امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام قائل هستند که تخلف‌ناپذیر می‌باشد به این معنی که طبق این ادله، عصمت آنان عَلَيْهِمُ السَّلَام در حدی است که هرگز دچار اشتباه، گناه فراموشی و ... نمی‌شوند. ولی اهل سنت در جمع بین قول خود (عدالت تمامی صحابه) و بین عصمت پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام به ویژه پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عصمتی را برای انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَام قائل هستند که در مواردی انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَام با وجود دارا بودن این صفت باز هم دچار اشتباه می‌شوند. برای نمونه به دو واقعه مجعول و ساختگی که در کتب اهل سنت نقل شده است استناد می‌جوییم.

۱ - سوره نساء، آیه ۵۹.

۲ - سوره حشر، آیه ۷.

واقعه اول:

طبق نقل اهل سنت گروهی از سودانی‌ها و سیاه پوستان به مدینه آمده و مقابل مسجد مدینه مشغول رقص و پایکوبی شدند. جمعیت فراوانی گرد آنها جمع شده و مشغول تماشا بودند. عایشه که زن جوانی بود، به علت فراوانی جمعیت موفق به تماشا نشد. لذا از پیامبر ﷺ درخواست کرد که او را بر دوش خود سوار کنند تا بتواند وقایع را مشاهده کند و پیامبر ﷺ خواسته او را عملی کردند^(۱) (العیاذ بالله).

واقعه دوم:

اولین سال ورود پیامبر ﷺ به مدینه، فصل گرده‌افشانی درختهای نخل فرارسید. پیامبر ﷺ در برخورد با این عمل سؤال کردند این چه کاری است که انجام می‌دهید؟ مردم جواب دادند: برای اینکه درختان نخل بارور شده و ثمر دهد در فصل خاصی باید آنها را گرده‌افشانی کرد. پیامبر ﷺ فرمودند: نیازی به این عمل نیست و اگر این عمل ترک شود باز هم درختان نخل بارور شده و ثمره می‌دهند. مردم با اعتماد به قول پیامبر ﷺ عمل گرده‌افشانی را ترک کردند. آن سال هیچ درخت نخلی بارور نشده و خرما نداد. مردم دسته جمعی نزد پیامبر ﷺ آمده و گفتند: یا رسول الله ﷺ ما به قول شما عمل کردیم ولی امسال بدون خرما مانده‌ایم، پیامبر ﷺ در جواب فرمودند: من اشتباه کردم، در سال بعد عمل گرده‌افشانی را ترک نکنید^(۲).

۱- از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۲ صفحه ۳ و صحیح مسلم، جلد ۳ صفحه ۲۲.

۲- از منابع اهل سنت: صحیح مسلم، جلد ۷ صفحه ۹۵ و فیض القادیر، جلد ۱ صفحه ۶۲۵.

باز سخن خود را در اینجا نقل کرده و می‌گوییم: تمام این سخنان باطل و بهتان‌آمیز از این جهت است که اهل سنت بر ادعای خود یعنی عدالت همه صحابه اصرار و پافشاری می‌کنند. بسیار واضح است که با چنین ادعایی مجبورند در عصمت انبیا علیهم‌السلام تصرف کرده و آن را به گونه‌ای تعریف کنند که با ادعای عدالت تمامی صحابه متناقض نشود. آنان سعی و تلاش نمودند تا بتوانند مقام صحابه را بالا برده تا بتوانند آنان را با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مقایسه کنند. اما عقل سلیم و هوشیار مردم چنین تصرفاتی را نپذیرفت. بنابر این مقام عصمت را تا حدی تنزل دادند که دیگر مقایسه صحابه با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دیگر انبیا علیهم‌السلام چندان دور از ذهن نباشد.

نکته مهم و پایانی

سلمان رشدی در کتاب آیات شیطانی، سخنان جدیدی بیان نکرده است، بلکه همان سخنان مورّخین و محدّثین اهل سنت در کتاب‌هایشان مانند کتب صحیحین و مسانید و ... را جمع آوری کرده و مطرح می‌کند. نتیجه اینکه اگر اهل سنت چنین تصرفاتی در معارف حقه اسلام روا نمی‌داشتند، کسانی مانند سلمان رشدی به هیچ وجه جرأت نشر و بیان چنین اکاذیبی را به خود راه نمی‌دادند.

« والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

خودآزمایی

- ① آیه مشورت در چه واقعه‌ای نازل شد؟ برخی از اهل سنت، مشورت پیامبر ﷺ را مختص چه مواردی می‌دانند؟
- ② تدبیر رسول الله ﷺ در جنگ احزاب، هنگام مشاهده لشکر مشرکین چه بود؟
- ③ سعد بن معاذ دربارهٔ پرداخت یک سوم خرمای مدینه به قبیلهٔ غطفان چه گفت؟
- ④ هدف رسول الله ﷺ از مشورت با صحابه در مورد جنگ احزاب چه بود؟
- ⑤ خداوند سبحان در مورد جنگ احزاب چه بشارتی به مسلمانان داد؟
- ⑥ رسول الله ﷺ از مشورت با ابوبکر و عمر در مورد جنگ بدر چه هدفی داشتند؟
- ⑦ واکنش رسول الله ﷺ پس از شنیدن نظر ابوبکر و عمر چه بود؟
- ⑧ با استناد به دو آیه ثابت کنید که مسلمانان موظف به پیروی بی‌چون و چرا از رسول الله ﷺ می‌باشند.
- ⑨ اهل سنت برای اثبات عدالت تمامی صحابه، مجبور شدند عصمت انبیاء ﷺ را چگونه توجیه نمایند؟
- ⑩ نظرات سلمان رشدی ریشه در چه منابعی داد؟

مشورت پیامبر ﷺ تنها برای
تأمین آرامش و آسایش قبایل تازه
مسلمان مخصوصاً اوس و خزرج بود.
پیامبر ﷺ آنان را مورد امتحان و
آزمایش قرار دادند و ایمان آنان را
سنجیدند تا میزان پایداری آنان برای
جنگ و مقاومت بر همگان واضح و
روشن شود. لذا وقتی صلابت و
استواری آنان آشکار گشت پیشنهاد
صلح را متوقف کرده و دستور فرمودند:
خود را برای جنگ مجهز کنید.
(صفحه ۹ از همین جزوه)

■ محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :
ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
■ شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
■ در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن
همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته الله علیه

تلفن : ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ نمابر : ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک : info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir